متن آهنگ هجرانی

در غم هجر روی تو رفته ز کف قرار دل

گر ننمایی‌ام تو رخ وای به حال زار دل

نیست شبی که تا سحر خون نفشانم از بصر

زان که غم فراق تو کرده خراب کار دل

آمده‌ام که سر نهم عشق تورا به سر برم

ور تو بگویی‌ام که نی نی شکنم شکر برم

اوست نشسته در نظر من به کجا نظر برم

اوست گرفته شهر دل من به کجا سفر برم

در غم هجر روی تو رفته ز کف قرار دل

گر ننمایی‌ام تو رخ وای به حال زار دل

نیست شبی که تا سحر خون نفشانم از بصر

زان که غم فراق تو کرده خراب کار دل

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم

دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

گفت که دیوانه نهی لایق این خانه نهی

رفتم و دیوانه شدم سلسله بندنده شدم

در غم هجر روی تو رفته ز کف قرار دل

گر ننمایی‌ام تو رخ وای به حال زار دل

نیست شبی که تا سحر خون نفشانم از بصر

زان که غم فراق تو کرده خراب کار دل

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم

دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

گفت که دیوانه نهی لایق این خانه نهی

رفتم و دیوانه شدم سلسله بندنده شدم

آمده‌ام که سر نهم عشق تورا به سر برم

ور تو بگویی‌ام که نی نی شکنم شکر برم

اوست نشسته در نظر من به کجا نظر برم

اوست گرفته شهر دل من به کجا سفر برم

آمده‌ام که سر نهم عشق تورا به سر برم

ور تو بگویی‌ام که نی نی شکنم شکر برم

اوست نشسته در نظر من به کجا نظر برم

اوست گرفته شهر دل من به کجا سفر برم